

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 1, Spring 2022, 289-312
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.34479.2105

A Critical Review on the Book
The East Asian Development Experience: The Miracle,
The Crisis and the Future

Zahra Karimi Moughari*

Abstract

The East Asian Development Experience: The Miracle, The Crisis and The Future is written by Ha Joon Chang and is translated into Persian by Leila Sadat Fatemi Nasab. The book explains the causes of successful development in East Asian countries. These countries which were poor and backward after the Second World War, during a few decades, became newly industrializing countries. There are different views about the causes of the development of East Asian countries. Some experts believe that the major cause is their acceptance of market mechanisms and export orientation. While others emphasize the governments' role in supporting infant industries and encouraging the private sector exports. Chang shows that free-market mechanism was not the cause of their success. Conversely, governments' conditional supporting measures alongside effective supervision on the private sector economic performance, and emphasis on exports had a major impact in the development of the East Asian countries. "*The East Asian Development Experience: The Miracle, The Crisis and The Future*" is a very useful book for Iranian researchers and policymakers in the current situation. Fatemi Nasab's translation of the book is very good but there are a few problems in translating special words that seem to be related to the lack of deep knowledge in economics.

* Associate Professor, Department of Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran,
zakarimi@umz.ac.ir

Date received: 23-10-2021, Date of acceptance: 23-02-2022



۲۹۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱

Keywords: Development, East Asia, Korea, Infant Industries, Market Mechanism.

نقد کتاب

معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی

زهره کریمی موغاری*

چکیده

کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی، نوشته «ها جون چانگ» و ترجمه لیلاسادات فاطمی نسب، در پی یافتن علل اصلی توسعه موفقیت‌آمیز کشورهای آسیای شرقی است. کشورهای شرق آسیا، که پس از جنگ جهانی دوم کشورهای فقیر و عقب‌مانده بودند، طی چند دهه به کشورهای تازه‌صنعتی شده تبدیل شدند. در مورد علل توسعه سریع کشورهای شرق آسیا نظریات متفاوتی ابراز شده است. برخی پژوهش‌گران عامل اصلی موفقیت این کشورها را پیروی از سازوکار بازار و جهت‌گیری صادراتی دانسته‌اند، در حالی که گروهی دیگر بر نقش دولت در حمایت از صنایع نوپا و ارائه مشوق‌های مختلف برای بخش خصوصی به منظور سمت‌گیری تأکید کرده‌اند. ها جون چانگ در این کتاب با مرور تحولات اقتصادی کشورهای شرق آسیا، به‌ویژه کره، نشان می‌دهد که پیروی از سازوکار بازار آزاد عامل موفقیت این کشورها نبوده و دولت با حمایت‌های مشروط، موقت، همراه با نظارت کارآمد بر نحوه عملکرد بخش خصوصی، و تأکید بر صادرات نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه کشورهای آسیای شرقی ایفا کرده است. کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی برای پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران ایرانی در شرایط کنونی بسیار ارزشمند و راه‌گشاست.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، آسیای شرقی، کره، صنایع نوپا، سازوکار بازار.

* دانشیار علوم اقتصادی، عضو هیئت علمی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، zakarimi@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴



۱. مقدمه

علل توسعه موفقیت‌آمیز کشورهای آسیای شرقی از سوی پژوهش‌گران بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است. سیاست‌گذاران، محققان، و دانشجویان ایرانی نیز عموماً به مطالعه تحولات این کشورها علاقه‌مندند و می‌خواهند علل موفقیت این کشورها را در دست‌یابی به توسعه صنعتی و ارتقای جایگاه این کشورها در اقتصاد جهانی بشناسند تا راه‌نمایی را برای مقابله با توسعه‌نیافتگی در ایران به‌دست آورند. کتاب‌ها و مقالاتی در ارتباط با فرایند توسعه کشورهای آسیای شرقی به فارسی نوشته شده یا از دیگر زبان‌ها ترجمه شده است. هاجون چانگ، اقتصاددان کره‌ای که در ارتباط با چالش‌های توسعه کتاب‌ها و مقالات بسیاری را به‌رشته تحریر درآورده، در ایران چهره شناخته‌شده‌ای است. به همین دلیل، انتشار ترجمه کتاب *معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی* اقدام مثبتی بوده که از سوی خوانندگان ایرانی مورد استقبال واقع شده است. این کتاب ضمن بررسی دیدگاه‌های متفاوت در مورد علل توسعه موفقیت‌آمیز کشورهای شرق آسیا، به بررسی نقش دولت و اهمیت سیاست‌های حمایت از صنایع در اولویت در کشور کره می‌پردازد تا نشان دهد توسعه کره بر مبنای پذیرش سازوکار بازار آزاد نبوده و کره با بهره‌گیری از ترکیب مناسبی از دولت و بازار به توسعه صنعتی دست یافته است. با توجه به این‌که در سه دهه اخیر مباحث فراوانی در مورد نقش دولت و بازار در فرایند توسعه و ضرورت پذیرش یا نفی دیدگاه نئولیبرالی ضرورت عدم مداخله دولت برای تحقق توسعه در ایران جریان داشته است، این کتاب، به دلیل بررسی اهمیت اعمال سیاست‌های صنعتی در توسعه کره و نقش دولت کارآمد در هدایت بخش خصوصی و تحقق موفقیت اقتصادی حائز اهمیت است.

در این مقاله پس از معرفی نویسنده، محتوای کتاب براساس مقایسه دیدگاه نئوکلاسیک و دیدگاه اقتصاد نهادگرا در مطالعه تحولات اقتصادی کره بررسی خواهد شد و نقاط قوت و ضعف ترجمه فارسی آن ارائه خواهد شد. سپس، به کارآیی این کتاب برای پژوهش‌گران، کارشناسان، و سیاست‌گذاران ایرانی خواهیم پرداخت و بر درس‌هایی اشاره خواهد شد که می‌توان از تجربه کشورهای آسیای شرقی آموخت.

۲. درباره نویسنده

هاجون چانگ (Ha Joon Chang) در سال ۱۹۶۳ در خانواده‌ای فرهیخته در سئول کره جنوبی متولد شد. پدر او مدتی وزیر صنعت و برادرش تاریخ‌دان و مدرس فلسفه علوم بود.

ها چون چانگ پس از پایان دوره دبیرستان وارد دانشگاه ملی سئول شد، ولی برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و دکتری اقتصاد را در دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۹۱ به پایان رساند. موضوع رساله دکتری او «اقتصاد سیاسی توسعه صنعتی با تأکید بر نقش دولت» بود. آثار چانگ در زمره مطالعات اقتصاد سیاسی نهادگرا قرار دارند که فرایند تاریخ و عوامل اجتماعی - سیاسی را در مرکز تحولات اقتصادی قرار می‌دهند.

کتاب *انداختن نردبان*، که در سال ۲۰۰۲ منتشر شده، از مهم‌ترین آثارها چون چانگ است. این کتاب، در سال ۲۰۰۳، جایزه گونار میردال برای مطالعات اقتصاد سیاسی را نصیب او کرد. چنگ در این کتاب، با مرور شواهد گسترده تاریخی، نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی در فرایند توسعه از سیاست‌هایی بهره گرفته‌اند که امروزه اعمال آنها را برای کشورهای در حال توسعه ممنوع می‌کنند. در این کتاب عملکرد سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، و بانک جهانی به دلیل مقابله با سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی در کشورهای در حال توسعه و انداختن نردبان به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. از دیگر کتاب‌های معروف چانگ *جهانی‌شدن، توسعه اقتصادی و نقش دولت* (مجموعه مقالات) در سال ۲۰۰۳ منتشر شده است. در سال ۲۰۰۵، ها جون چانگ برای مجموعه آثارش جایزه بسیار ارزشمند *واسیلی لئونتیف*^۱ را، به علت پیش‌برد اندیشه اقتصادی، دریافت کرد.

چانگ، پس از بحران مالی جهانی، به نقد جدی نئولیبرالیسم ادامه داد و آموزه‌های بانک جهانی در مورد حکمرانی خوب و ضرورت ایجاد نهادهایی مشابه نهادهای کشورهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه را برای غلبه بر عقب‌ماندگی مردود دانست.^۲ چانگ در تمامی کتاب‌ها و مقالات خود بر ضرورت اعمال سیاست‌های صنعتی از سوی دولت، هدایت منابع مالی، و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به فعالیت‌های در اولویت تأکید کرده و سازوکار بازار آزاد برای ایجاد تحول ساختاری و دستیابی به توسعه را ناتوان معرفی کرده است.

برخی از آثار چانگ به زبان فارسی ترجمه شده است. ۲۳ نکته مکتوم سرمایه‌داری در سال ۱۳۹۲، *نیکوکاران نابه‌کار؛ افسانه تجارت آزاد و تاریخ پنهان سرمایه‌داری* در سال ۱۳۹۵، *انداختن نردبان و معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی* در سال ۱۳۹۸ منتشر شده و از سوی فارسی‌زبانان با استقبال خوبی مواجه شده است.

۳. درباره کتاب

ها چون چانگ کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی را پس از بحران آسیای شرقی نوشته است. به همین جهت، در این کتاب علاوه بر بررسی علل توسعه موفقیت آمیز کشورهای آسیای شرقی به ریشه‌های شکل‌گیری و پی‌آمدهای بحران مالی سال ۱۹۹۷ پرداخته و چشم‌اندازی برای آینده این کشورها ترسیم کرده است. این کتاب به قلم لیلاسادات فاطمی‌نسب به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۹۸ از سوی نشر ثالث منتشر شده است.

عملکرد فوق‌العاده برخی از کشورهای آسیای شرقی بعد از جنگ جهانی دوم نظیر ژاپن، کره جنوبی، تایوان، و دو دولت‌شهر کوچک هنگ‌کنگ و سنگاپور منجر شد که از اواخر دهه ۱۹۹۰ تاکنون تجربه این کشورها به‌طور ویژه مورد توجه محافل علمی قرار گیرد. بر این اساس، مطالعات مختلف عوامل متفاوتی را به‌عنوان علل اصلی موفقیت این کشورها مطرح می‌کنند. برای مثال، بانک جهانی در سال ۱۹۹۳ کتابی تحت‌عنوان معجزه آسیای شرقی منتشر کرده که در آن سمت‌گیری صادراتی و پذیرش سازوکار بازار علت اصلی توسعه صنعتی کشورهای آسیای شرقی معرفی شده بود. این کتاب مباحثات بسیاری را برانگیخت. کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی، نوشته‌ها چون چانگ، نیز تلاشی در جهت نشان‌دادن نادرستی تحلیل بانک جهانی از توسعه کشورهای آسیای شرقی است.

تمرکز اصلی‌ها چون چانگ در بررسی تجربه توسعه در منطقه آسیای شرقی بر تحولات اقتصادی کره جنوبی است، زیرا عملکرد اقتصادی دولت - شهرهای هنگ‌کنگ و سنگاپور به دلیل کوچک و کم‌جمعیت بودن با کره و تایوان قابل‌مقایسه نیستند. چانگ در برخی مباحث کتاب به تجربه تایوان و ژاپن نیز اشاره می‌کند. یکی از هدف‌های اصلی کتاب تحلیل نقش دولت و سازوکار بازار در فرایند توسعه آسیای شرقی است. برخی نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، و بسیاری از اقتصاددانان پذیرش سازوکار بازار آزادسازی تجاری، حرکت به سوی توسعه صادرات، و افزایش توان رقابتی بنگاه‌ها را عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای تازه‌صنعتی شده شرق آسیا معرفی کرده‌اند. ها چون چانگ در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی تلاش می‌کند که با مرور شواهد تاریخی و بررسی‌های آماری نشان دهد دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات آسیای شرقی برعهده داشته است. او معتقد است که توسعه

صنعتی کشورهای آسیای شرقی برمبنای مدلی بوده که در میانه دو سر طیف سازوکار بازار آزاد و اقتصاد برنامه‌ریزی شده قرار می‌گیرد.

چانگ تأکید می‌کند که موفقیت اقتصادی کره ناشی از پذیرش سازوکار بازار آزاد نبوده و مداخله گسترده دولت در حمایت و هدایت سرمایه‌گذاری صنعتی و اعمال سیاست‌های مختلف حمایتی از جمله اعطای وام‌های ارزان به بنگاه‌های بزرگ خصوصی (چابول‌ها)، تأمین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای در اولویت، اجرای سیاست‌های تجاری برای محدود کردن واردات کالاهای رقیب تولیدات داخلی در مراحل اولیه رشد این صنایع، تشویق بخش خصوصی به صادرات کالاهای تولیدی، و هدایت بنگاه‌های خصوصی به سوی سرمایه‌گذاری در صنایع سرمایه‌بر و دانش‌بنیان، و دستیابی به فناوری‌های نوین نقشی کلیدی در تسریع آهنگ رشد و توسعه کره ایفا کرده و نشان داده که برخلاف دیدگاه اقتصاددانان جریان غالب، در توسعه کره اعمال سیاست‌های مناسب صنعتی، مالی، ارزی، و تجاری تأثیر تعیین‌کننده‌ای در موفقیت اقتصادی این کشور داشته است.

چانگ معتقد است که از آغاز دهه ۱۹۹۰، با اجرای سیاست‌های آزادسازی و مقررات‌زدایی، از نظارت دولت کره بر عملکرد نظام بانکی و بازار سرمایه کاسته شد. ورود سرمایه خارجی به بازار بورس و افزایش میزان تسهیلات اعتباری ریسک سیستماتیک در نظام بانکی و بازار سرمایه را به شدت افزایش داد و در سال ۱۹۹۷، کره به همراه دیگر کشورهای آسیای شرقی با بحران مالی بزرگی مواجه شد. بنابراین، برخلاف نظر نئولیبرال‌ها (به‌عنوان نمونه، بنگرید به Mckinnon and Pill 1998) چانگ تأکید می‌کند که سیاست‌های صنعتی، رانت‌جویی ناشی از حمایت از صنایع نوپا، و سرمایه‌داری رقابتی عامل بروز بحران مالی در کشورهای آسیای شرقی نبوده، بلکه تأکید فزاینده بر آزادسازی بازارهای مالی و حذف نظارت دولت بر ورود و خروج سرمایه بحران مالی را به وجود آورده که بر کل اقتصاد این کشورها ضربه زده است. به همین جهت، چانگ پیش‌بینی می‌کند که تداوم سیاست آزادسازی کامل حساب سرمایه نادرست است و می‌تواند مانعی جدی بر سر راه رشد اقتصادی شرق آسیا ایجاد کند.^۳

۱,۳ دولت در مقابل بازار

در مورد علل موفقیت کشورهای آسیای شرقی مطالعات بسیاری صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم‌بندی کرد: گروه اول لیبرال‌ها و نئولیبرال‌هایی که بر

کارآیی نظام بازار تأکید کرده‌اند و خواستار حداقل شدن مداخلات دولت در فعالیت‌های اقتصادی‌اند. این گروه توسعه اقتصادی موفقیت‌آمیز کشورهای آسیای شرقی را ناشی از اجرای سیاست‌ها و ایجاد نهادهایی می‌دانند که از مدل آنگلوساکسونی اقتباس شده است (برای مثال، بنگرید به Henderson 1998; Frankel 1998). مدل آنگلوساکسونی بر سازوکار بازار آزاد تأکید دارد. طرف‌داران این رویکرد بر این باورند که خریدار و فروشنده به دنبال حداکثرسازی منافع خود از طریق پیروی از سیگنال نظام قیمتی هستند و سازوکار بازار عامل اصلی ثبات و شکوفایی اقتصاد است. به همین دلیل، در این رویکرد بر افزایش فضای رقابتی در درون کشورها، آزادسازی قیمت‌ها، و عدم اخلاص در سازوکار قیمت، آزادسازی تجاری شامل کاهش تعرفه‌ها و حذف محدودیت‌های کمی، واقعی کردن نرخ ارز و نرخ بهره و عدم سرکوب مالی، و خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی تأکید می‌شود. براساس نسخه آنگلوساکسونی نقش دولت در فرایند توسعه کشورهای آسیای شرقی حائز اهمیت نیست. اقتصاددانان لیبرال معتقدند که کشورهای آسیای شرقی تازمانی که از صنایع جای‌گزین واردات حمایت می‌کردند، فقیر و عقب‌مانده بودند و فقط زمانی در مسیر توسعه صنعتی حرکت کردند که محدودیت‌های تجاری را کنار گذاشتند و با تمرکز بر مزیت رقابتی به صادرات و رقابت در بازارهای جهانی روی آوردند (World Bank 1993).

درمقابل، گروهی دیگر از اقتصاددانان بر این باورند که نظام سرمایه‌داری باوجود این که بر مالکیت خصوصی، انگیزه کسب سود، و سازوکار بازار متکی است، فقط یک شکل ثابت جهان‌شمول ندارد. نظام سرمایه‌داری تنوع نهادی دارد و کشورها باتوجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی، و ژئوپولیتیکی خود از شکل‌های مختلف نظام سرمایه‌داری بهره می‌گیرند و به نوآوری نهادی اقدام می‌کنند.

در طول سه دهه اخیر، با مطرح شدن اقتصاد نهاد‌گرای جدید از اوایل دهه ۱۹۸۰ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد از اوایل دهه ۱۹۹۰، تنوع نهادی و تفاوت در عملکرد نظام سرمایه‌داری در کشورهای مختلف جهان بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته و مباحثی نظیر نظام‌های مالی و حاکمیت شرکتی، به‌ویژه مدل ژاپنی و آلمانی درمقابل مدل آنگلوساکسون، روابط صنعتی شامل اتحادیه‌های اجتماعی اسکاندیناوی و نظام استخدام ژاپنی، و سیاست صنعتی به‌خصوص در ارتباط با تجربه آسیای شرقی مطرح شده است.

به‌طور کلی پیام مشترک گروه دوم آن است پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای دو، زمین انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های خاص برنامه و سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدتی را طراحی کرده و مبتنی بر سازوکار بازار آزاد نبوده‌اند، موفق عمل کرده‌اند. ها چون چانگ از جمله اقتصاددانانی است که در گروه دوم جای می‌گیرد. در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی چانگ تلاش می‌کند که تنوع نهادی در نظام سرمایه‌داری را نشان دهد. او معتقد است که روش‌های متعددی برای سامان‌دهی تولید و توزیع در نظام سرمایه‌داری وجود دارد. در تمامی کشورهای جهان ترکیبی از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت و نیروهای بازار در عملکرد اقتصادی نقش ایفا می‌کند. برای مثال، دولت نظامی کره در دهه ۱۹۵۰ نظام سرمایه‌داری کنترل‌شده را در کشور حاکم کرد. بانک‌ها ملی شدند و بسیاری از صنایع از جمله صنایع نفت، زغال‌سنگ، برق، فولاد، و کود شیمیایی به مالکیت دولت درآمدند. در عین حال، افزایش بهره‌وری برای بالابردن توان رقابتی و حضور در بازارهای صادراتی مورد تأکید قرار گرفت.

کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی از نُه فصل تشکیل شده است. در این فصل‌ها الگوی توسعه کشورهای آسیای شرقی، به‌ویژه سیاست‌های صنعتی کره، مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که شرایط ابتدایی این کشور عامل موفقیت در تسریع آهنگ توسعه نبوده است. نیمه دوم کتاب به علل و پی‌آمدهای بحران آسیای شرقی در اواخر دهه ۱۹۹۰ اختصاص یافته است. در این قسمت نشان داده شده که سیاست‌های صنعتی کره عامل بحران نبوده، بلکه کاهش نظارت و کنترل دولت، به‌ویژه در بازارهای مالی، عامل بروز این بحران بوده است. به‌باور چانگ، در فرایند توسعه کشورهای آسیای شرقی بازار و دولت مکمل یک‌دیگر بوده‌اند. در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی، به نقش پررنگ مداخلات دولت در اقتصاد از طریق به‌کارگیری سیاست‌های صنعتی گزینشی تأکید شده است. طرف‌داران نسخه آنگلو ساکسونی، که به مداخلات دولت به‌دیده شک می‌نگرند و آن را مردود می‌دانند، اجرای سیاست‌های صنعتی گزینشی را، که براساس آن فقط بخش‌ها یا حتی شرکت‌های خاصی توسط دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند، در عمل سیاستی شکست‌خورده و ناموفق قلمداد می‌کنند، زیرا چنین سیاست‌هایی به اختلال در سیگنال‌های قیمتی بازار منجر می‌شوند، اجرای آن‌ها از نظر فنی و مدیریتی دشوار است، و به رانت‌جویی گروه‌های ذی‌نفوذ، افزایش فساد، و تخصیص غیربهبینه منابع می‌انجامد. این گروه از اقتصاددانان، به‌جای اجرای سیاست‌های صنعتی گزینشی، استفاده از

نوع عمومی سیاست صنعتی مانند سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش، حمایت از تحقیق و توسعه، و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی را توصیه می‌کنند.

در تأیید سیاست صنعتی گزینشی، چانگ در این کتابش تأکید می‌کند که سیاست‌های صنعتی گزینشی در آسیای شرقی با موفقیت کامل اجرا شده و در سایر کشورها نیز اجراشدنی است. حتی بانک جهانی نیز امروزه بر این مهم صحنه می‌گذارد که اجرای سیاست‌های صنعتی گزینشی به لحاظ نظری امکان‌پذیر و به لحاظ عملی در کشورهای آسیای شرقی غالباً موفق بوده است، اما در مورد اجرای آن در سایر کشورهای در حال توسعه اظهار تردید می‌کند، زیرا معتقد است اجرای آن به لحاظ اداری بسیار سخت و نیازمند الزاماتی است (World Bank 1993).^۴

ها چون چانگ با طرح مباحثی نظیر صرفه‌های ناشی از مقیاس، کاهش هزینه‌های تولید، و افزایش توان صادراتی بر ضرورت جلوگیری از رقابت بیش از حد، به‌ویژه در صنایع با فناوری‌های پیشرفته و دارای سرمایه‌های خاص، تأکید و به‌صراحت به این موضوع اشاره می‌کند:

برای افزایش مزیت رقابتی نمی‌توان کاملاً به سازوکار بازار اتکا کرد. دولت باید بخش‌های دارای پتانسیل بهره‌وری بالا را شناسایی کند و آن‌ها را به‌عنوان صنایع استراتژیک با چشم‌انداز روشن یا بخش‌های ارجح معرفی کند و تحت حمایت مالی، فنی، و اداری قرار دهد (چانگ ۱۳۹۸: ۱۰۱).

سیاست‌های صنعتی مناسب دولت کره برای تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در رسته‌های صنعتی در اولویت، هدایت منابع مالی به‌سوی فعالیت‌های مولد، و ایجاد محدودیت برای ورود و مصرف کالاهای لوکس اعمال شده است. دولت از صنایع نوپا، به‌صورت مشروط، محدود، و زمان‌بندی‌شده حمایت کرده و با انواع سیاست‌های انگیزشی، مانند وام‌های ارزان و معافیت‌های مالیاتی، بنگاه‌ها را برای صادرات تولیدات داخلی تشویق کرده است.

دولت کره برای حذف ماشین‌آلات قدیمی و نصب ماشین‌آلات جدید یارانه‌های سخاوتمندانه‌ای به بخش خصوصی اختصاص می‌داد. درعین‌حال، بر نحوه استفاده از وام‌های اعطایی به بنگاه‌های تولیدی برای خریداری فناوری‌های پیشرفته نظارت اکید اعمال می‌کرد. درکل، کمک به بنگاه‌ها موقتی بود. اگر بنگاهی قادر به نوسازی و افزایش بهره‌وری نبود، با فشار دولت منحل یا واگذار می‌شد. به‌علاوه، دولت کره بر عملکرد ماهانه صادرات

نظارت دقیق داشت و درقبال گزارش‌های ساختگی یا ارائه‌ندادن گزارش‌های منظم بنگاه‌ها، از طریق جریمه و زندان، به‌شدت با آن‌ها برخورد می‌کرد (همان: ۱۰۷).

کشورهای شرق آسیا، به‌ویژه کره جنوبی، هدف ارتقای ساختار صنعتی را از طریق به‌کارگیری سیاست‌های صنعتی‌گزینی در اولویت قرار دادند. برای مثال، کشور کره از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ نرخ تورم متوسط بیست‌درصدی را تجربه کرد، ولی هیچ‌گاه مقابله با تورم از طریق افزایش نرخ بهره و کاهش تسهیلات را در مقایسه با توسعه صنایع نوپا در اولویت قرار نداد. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت کره با اعمال تعرفه‌های بالا واردات کالاهای لوکس را به‌شدت محدود کرده بود. نظارت شدید بر ورود و خروج سرمایه اعمال می‌شد. واگذاری تمامی ارز حاصل از صادرات به بانک مرکزی الزامی بود و مجازات‌های شدید تا حد اعدام برای خروج غیرقانونی سرمایه از کشور اعمال می‌شد. به‌علاوه، دولت به‌دقت کنترل می‌کرد که وام‌ها و مشوق‌های ارزی و مالیاتی اعطاشده به بنگاه‌های بزرگ در جهت ارتقای کیفی، افزایش بهره‌وری، و کاهش هزینه‌های تولید در صنایع در اولویت به‌کار گرفته شود و به مسیرهای انحرافی وارد نشود. دولت کره، با اجرای سیاست‌های مناسب، بخش خصوصی این کشور را در نوسازی مداوم ساختار صنعتی و حرکت از صنایع کاربری مانند پوشاک به سوی صنایع سرمایه‌بری چون فولاد و کشتی‌سازی تشویق و هدایت کرد.

به‌طور کلی چانگ در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی نشان می‌دهد که موفقیت اقتصادی کره ناشی از پذیرش سازوکار بازار آزاد نبوده و مداخله گسترده دولت در حمایت و هدایت سرمایه‌گذاری صنعتی، اعمال سیاست‌های مختلف حمایتی، از جمله اعطای وام‌های ارزان به بنگاه‌های بزرگ خصوصی (چابول‌ها)، و تشویق بخش خصوصی به صادرات کالاهای تولیدی در تسریع آهنگ رشد و توسعه کره نقشی کلیدی ایفا کرده است. با توجه به ویژگی‌های نهادی و سیاست‌های حمایتی اعمال‌شده در کشورهای آسیای شرقی، که با استانداردهای مورد تأکید در نسخه آنگلوساکسونی متفاوت است، باور به وجود «مدل توسعه آسیای شرقی» توجیه‌پذیر و منطقی است. چانگ تأکید می‌کند:

ایده اقتصاد نولیبرال بدون مقررات و بدون تباری - حتی اگر دست‌یافتنی هم باشد - در دنیایی که کنش‌گران آن ظرفیت محدودی برای پردازش اطلاعات دارند و در دنیایی که رشد بهره‌وری نیازمند سرمایه‌گذاری‌های خاص و یادگیری است، مطلوب نخواهد بود. اگر برنامه نولیبرال مقررات‌زدایی با هدف ساخت اقتصاد ملی انعطاف‌پذیر متناسب

نباشد، ما باید تحقیق خود را برای برنامه‌ای جای‌گزین از سر بگیریم؛ برنامه‌ای که هم به‌لحاظ سیاسی واقع‌گرایانه است و هم از بعد نهادی غنی‌تر. چنین اقدامی — درمقابل — نیازمند بازانديشی جدی درمورد هزینه و فایده رقابت و همکاری، رابطه اقتصاد و سیاست، نظریه تحول نهادی، و نقش دولت در آن خواهد بود و در این راه تجربه آسیای شرقی ابزار تند و آتشینی را برای این بازانديشی فراهم می‌کند (همان: ۱۶۵).

۲,۳ شرایط ابتدایی کشورهای آسیای شرقی

برخی از اقتصاددانان نئولیبرال معتقدند که موفقیت کشورهای آسیای شرقی ناشی از شرایط ممتاز اولیه این کشورها بوده است و به همین دلیل، نسخه‌برداری از الگوی توسعه آسیای شرقی برای دیگر کشورهای درحال توسعه ممکن نیست. ها جون چانگ با تکیه بر شواهد تاریخی نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی و سطح سواد مردم کره و هنگ‌کنگ حتی در دهه ۱۹۵۰ بسیار بدتر از برخی کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین بوده است و کشورهای آسیای شرقی از نظر سرمایه انسانی مزیتی بر دیگر کشورهای درحال توسعه در آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین نداشته‌اند.

در سال ۱۹۴۵، ۲۲ درصد از جمعیت کره باسواد بودند. این نرخ برای فیلیپین حدود ۶۰ درصد بود. در آن زمان تصور نمی‌شد که کره بتواند سریع‌تر از فیلیپین توسعه پیدا کند. با رشد صنعتی، تقاضا برای نیروی کار باسواد و تحصیل کرده افزایش یافت و امکانات آموزشی به سرعت در سراسر کره گسترش پیدا کرد، به نحوی که در دهه ۱۹۶۰ نرخ باسواد در این کشور به بالای ۷۰ درصد رسید و نرخ ثبت‌نام در مدارس کره از فیلیپین پیشی گرفت.

کشورهای آسیای شرقی از منابع طبیعی بهره‌چندانی ندارند. منبع تأمین ارز این کشورها تا دهه ۱۹۵۰ عموماً صادرات محصولات کشاورزی بوده است. ضعف بنیه اقتصادی با عدم امکان سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها همراه بوده است، به نحوی که کره و تایوان تا پایان دهه ۱۹۵۰ از نظر خطوط تلفن و راه‌آهن از کشورهای جنوب صحرای آفریقا نیز فقیرتر بوده‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۵۸ میزان تولید صنعتی سرانه در کره و تایوان به ترتیب بیست و هجده دلار بوده که با تولید صنعتی سرانه زیمبابوه در همان سال (۳۶ دلار) بسیار فاصله دارد. تا پایان دهه ۱۹۵۰ بخش صنعتی بسیاری از کشورهای آفریقایی از جمله کنگو و غنا بزرگ‌تر از کره و تایوان بوده است.

بعد از پایان جنگ دو کره در سال ۱۹۵۴، وضعیت اقتصادی به تدریج رو به بهبود گذاشته و از دهه ۱۹۶۰ به بعد، با تکیه بر صادرات، اقتصاد کره به سرعت رشد کرده است. آغاز جنگ سرد، پس از جنگ جهانی دوم، سبب حمایت جدی آمریکا از همسایگان کشورهای سوسیالیستی شد. در دهه ۱۹۵۰، کره جنوبی در کنار کره شمالی و تایوان در مرز چین و در اواسط دهه ۱۹۷۰، چین در مقابله با اتحاد شوروی و ویتنام از حمایت سخاوتمندانه آمریکا سود بردند. بعد از جنگ جهانی دوم، تایوان کشوری به شدت فقیر بود و جنگ میان دو کره در فاصله سال‌های ۱۹۵۱-۱۹۵۳ به تخریب زیرساخت‌ها و ویرانی کره جنوبی منجر شده بود. کمک‌های مالی و نظامی آمریکا به کره و تایوان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ چشم‌گیر بود. با وجود این، کمک‌های خارجی تنها عامل توسعه صنعتی کشورهای آسیای شرقی نبوده است. بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، از کمک‌های سخاوتمندانه خارجی بهره‌مند بوده‌اند، ولی به توسعه دست نیافته‌اند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که شرایط داخلی و مجموعه سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده از سوی دولت‌ها نقش اصلی در موفقیت یا شکست برنامه‌های توسعه اقتصادی دارد و دریافت کمک‌های خارجی نمی‌تواند دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصادی را تضمین کند.^۹

۳,۳ علل و ریشه‌های بحران اقتصادی آسیای شرقی در سال ۱۹۹۷

با بروز بحران در بازارهای مالی در سال ۱۹۹۷، که به سرعت به بخش واقعی اقتصاد کشورهای آسیای شرقی سرایت کرد، بسیاری از کارشناسان در جست‌وجوی علل این بحران به نقاط ضعف ناشی از مداخله دولت در اقتصاد این کشورها برای حمایت از صنایع داخلی، از جمله حامی‌پروری و فساد در اعطای تسهیلات و ریسک بالای مخاطرات اخلاقی در بازار سرمایه این کشورها، تأکید کردند (Mckinnon and Pill 1998; Frankel 1998). در مقابل، ها جون چانگ معتقد است که علت اصلی سقوط اقتصاد کره در سال ۱۹۹۷ اجرای سیاست‌های نئولیبرالی، حذف مقررات مربوط به نظارت و کنترل دولتی بر نحوه تخصیص تسهیلات بانکی، آزادسازی اقتصادی، و کنارگذاشتن سیاست‌های صنعتی از اوایل دهه ۱۹۹۰ بوده است (Chang 1994).

تا سال ۱۹۸۶ کره با کسری در تراز تجارت خارجی مواجه بود و به همین جهت، نحوه استفاده از ارز، از جمله خروج ارز از کشور برای واردات یا سفرهای خارجی، به شدت کنترل می‌شد. رشد چشم‌گیر صادرات و بروز مازاد در تجارت خارجی سبب کاهش

کنترل‌های دولت و آزادسازی حساب سرمایه شد. تصمیم دولت کره برای عضویت در گروه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) فشار بر دولت کره برای آزادسازی بازارهای مالی را بیش‌تر کرد. طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۷ میزان بدهی خارجی کره بیش از سه برابر شد و از ۴۴ میلیارد دلار به ۱۲۰ میلیارد دلار رسید، درحالی‌که سرمایه‌گذاری در خرید اوراق بهادار جای‌گزین سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شده و در بازار بورس حباب ایجاد کرده بود. بخش بزرگی از بدهی‌های خارجی بنگاه‌ها و ام‌های کوتاه‌مدت بود که با بروز بحران و کاهش توان مالی شرکت‌ها، عدم امکان بازپرداخت بدهی ضربه سنگینی بر اقتصاد کره وارد آورد و بزرگ‌ترین رکود از زمان جنگ کره رقم خورد. دولت کره برای رفع بحران و ایجاد تحرک در اقتصاد به صندوق بین‌المللی پول (International Monetary Fund/ IMF) متوسل شد و به پذیرش شرایط بسیار سخت‌گیرانه IMF برای انجام تغییرات نهادی گسترده در نحوه اداره شرکت‌ها و نظام مالی مجبور شد. سیاست‌های پولی حامی سرمایه‌گذاری و رشد به‌کنار گذاشته شد و بر حفظ منافع بخش مالی به‌قیمت بی‌توجهی به ضرورت دفاع از منافع صنعتی تأکید شد.

ها چون چانگ از تسلط سازوکار بازار آزاد و حذف نظارت‌های دولت در عرصه‌های مختلف توسعه صنعتی و تجارت خارجی کره اظهار نگرانی می‌کند و معتقد است که پذیرش نیروهای مسلط بازار در اقتصاد کره به قدرت‌گرفتن هرچه بیش‌تر بخش مالی و افزایش نابرابری در این کشور منجر خواهد شد و در بلندمدت در رشد سرمایه‌گذاری و عملکرد اقتصادی کره تأثیر منفی خواهد گذاشت. بنابراین دولت کره باید راه‌کارهای مناسبی اعمال کند تا هم‌زمان با مدیریت ریسک در بازارهای مالی، بخش خصوصی را به رشد سرمایه‌گذاری ترغیب کند.

چانگ در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی نظریه نئوکلاسیک انسان عقلایی و عملکرد بهینه اقتصادی در غیاب مداخلات دولت را، با بهره‌گیری از مکتب اقتصاد نهادگرایی جدید، به‌نقد می‌کشد و تأکید می‌کند که هیچ نظام پیچیده‌ای بدون اعمال برخی محدودیت‌ها نمی‌تواند به‌طور کارآمد عمل کند. تلاش هدف‌مند برای ایجاد نهادهای جدید و بهبود نهادهای موجود در مواردی به شکست می‌انجامد و پی‌آمدهای مخربی به‌دنبال دارد، ولی در جهانی متشکل از کنش‌گران دارای عقلانیت محدود، ایجاد هماهنگی میان بنگاه‌های اقتصادی و گاه محدود کردن انتخاب‌های آنان می‌تواند به نتایج کارآمدتری منجر شود.

تمامی اقتصادهای مدرن توزیع ریسک سرمایه‌گذاری‌های خاص و تأمین محیطی پایدار برای یادگیری به نهادهای متعددی نیاز دارند. اقتصاددانان نئولیبرال وجود این نهادها را موانعی برای عملکرد بازار آزاد می‌دانند، اما تجربه کشورهای شرق آسیا نشان می‌دهد که محدودیت‌های نهادی اعمال‌شده، از طریق سیاست‌های صنعتی و حمایت از صنایع در اولویت به صورت مشروط و زمان‌بندی‌شده، می‌تواند به افزایش توان‌مندی بخش خصوصی در بلندمدت یاری رساند.

ها جون چانگ (Chang 2007, 2011) به تشریح تعامل دوجانبه میان توسعه اقتصادی و تحولات نهادی می‌پردازد و تصریح می‌کند که نظام سرمایه‌داری دارای تنوع نهادی است و تفاوت در شکل و ماهیت نهادها در توازن قدرت سیاسی، ایدئولوژی، و فناوری‌های تولیدی هر کشور ریشه دارد. او تحولات نهادی را ضرورتاً پیش شرط توسعه اقتصادی نمی‌داند و معتقد است که با اجرای برنامه‌های توسعه صنعتی، به‌طور خودکار و به تدریج نهادهای مناسب، از جمله دولت کارآمد و جامعه مدنی قوی ناظر بر عملکرد دولت، شکل می‌گیرند که عامل تسریع و تسهیل توسعه اقتصادی می‌شوند. به همین جهت، چانگ بر ضرورت تلاش هم‌زمان در جهت تحول نهادی و توسعه اقتصادی تأکید می‌کند.

۴. کیفیت ترجمه کتاب

لیلاسادات فاطمی‌نسب با ترجمه کتاب ها جون چانگ و ارائه دیدگاه انتقادی او، درباره کارآیی سازوکار بازار و نفی ضرورت مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی، ذهن دانشجویان و مدرسان اقتصاد و دیگر رشته‌های علوم انسانی را به نقد پارادایم مسلط نئولیبرالی جلب می‌کند که در بسیاری از دانشگاه‌ها بدون برخوردی انتقادی عرضه می‌شود. این کتاب با بررسی نقش دولت و سیاست‌های صنعتی حامی صنایع نوپا و مطالعه چگونگی ورود این صنایع به بازارهای بین‌المللی ذهن پرسش‌گر خواننده ایرانی را به بررسی تفاوت‌های میان فرایند توسعه ایران و کشورهای آسیای شرقی، به‌ویژه کره، هدایت می‌کند.

فاطمی‌نسب تلاش کرده تا، با دقت و وفاداری به اصل متن کتاب، ترجمه روانی را به فارسی ارائه دهد و تا حد زیادی موفق شده است. مشکل در ترجمه ناشی از ناآشنایی با برخی کلمات تخصصی اقتصادی و معادل‌های فارسی رایج است که در برخی قسمت‌ها درک مطلب را دشوار می‌کند. برای مثال، در صفحه ۵۹، انتهای پاراگراف اول، آمده است:

«حکومت‌ها با هدف کاهش "ضایعات" ناشی از رقابت بیش از اندازه (اضافی) به سازمان‌دهی کارتل‌های رکود (به‌طور ضمنی یا آشکار) یا حتی برنامه‌های اجباری ادغام یا تسهیم بازار روی آورده‌اند».

درک مفهوم جمله فوق برای خواننده فارسی ممکن نیست. با توجه به متن اصلی کتاب می‌توان جمله را به صورت زیر به فارسی ترجمه کرد:

«دولت‌ها برای جلوگیری از اتلاف منابع بر اثر رقابت بیش از حد و سامان‌دهی بنگاه‌های بزرگ انحصاری گرفتار رکود، برای کاهش ظرفیت‌های مازاد در صنایع مذاکره کرده و شرکت‌های بزرگ را مجبور کرده‌اند که در هم ادغام شوند یا برنامه‌های تعیین سهم در بازار را بپذیرند».

ملاحظه می‌شود که بخشی از جمله «برای کاهش ظرفیت‌های مازاد در صنایع مذاکره کرده» در ترجمه فاطمی نسب حذف شده است و مفهوم بنگاه‌های گرفتار رکود با استفاده از «کارتل‌های رکود» به خواننده منتقل نمی‌شود، زیرا چنین اصطلاحی در متون اقتصادی به زبان فارسی وجود ندارد.

برخی از اصطلاحات در زبان فارسی متون اقتصادی کاملاً شناخته شده‌اند؛ مانند آزادگذاری به جای اصطلاحات رایج مقررات‌زدایی و آزادسازی یا مثل صادرات کالاهای اولیه که منظور صادرات مواد معدنی و محصولات کشاورزی است. در فصل چهارم، صفحه ۱۸۴، پاراگراف دوم، آمده است:

«سابقاً - یعنی قبل از دهه شصت - نخستین صادرکنندگان کالا به‌شمار می‌آمدند».

این جمله با استدلال‌های قبلی کاملاً در تضاد است و علت آن اشتباه در ترجمه است. ترجمه صحیح به این صورت است:

«سابقاً، یعنی قبل از دهه شصت، صادرکننده محصولات اولیه (کشاورزی) به‌شمار می‌آمدند».

در صفحه ۱۱۵، خط اول، پاراگراف اول، آمده است:

«معمولاً بر مبنای حدس و گمان یا "خوی حیوانی" پیش می‌روند». اصطلاح «خوی حیوانی» در فارسی به معنای خشونت و بی‌رحمی است، در حالی که اصطلاح معروف «روح حیوانی» (animal spirit)، که توسط کینز مطرح شده، در ادبیات اقتصادی، از جمله متون اقتصادی به زبان فارسی، کاملاً شناخته شده است و به معنای غریزه پیش‌بینی وقوع اتفاقات خوب یا بد است.

متأسفانه از این دست اشتباهات در متن کم نیست. برای مثال، اصطلاح «مالیه‌مدار» در زبان فارسی متون اقتصادی رایج نیست و مشخص نیست که مترجم این عبارت را به‌جای چه کلمات انگلیسی به‌کار برده است. در زیرنویس هم کلمات انگلیسی به‌منظور راهنمایی خواننده برای درک بهتر مطلب و رفع ابهام احتمالی ارائه نشده است. بدون تردید، برای ترجمه صحیح یک متن تخصصی دانش کافی از آن علم نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین، متون تخصصی هر رشته باید توسط کارشناسان همان رشته ترجمه شوند یا حداقل متن ترجمه‌شده را فردی آگاه از دانش و اصطلاحات تخصصی خاص هر رشته ویرایش کند.

۵. ارزیابی کارآیی کتاب

معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی کتاب خوبی برای پاسخ‌دادن به سؤالات فراوان کارشناسان و دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی درمورد علل موفقیت و عدم موفقیت در دستیابی به توسعه در کشورهای مختلف جهان است. با آن‌که با توسعه چشم‌گیر صنعت حمل‌ونقل، فناوری اطلاعات، و انقلاب اینترنتی جریان حرکت سرمایه، تکنولوژی، ایده، و نیروی انسانی در جهان تسهیل شده و باعث پیشرفت و توسعه برخی کشورها شده است، بسیاری از کشورهای جهان هم‌چنان با رشد پایین و فرصت‌های محدود برای پیشرفت دست‌به‌گریبان‌اند. پس از جنگ جهانی دوم، شمار اندکی از کشورهای جهان از جمله کره، تایوان، سنگاپور، هنگ‌کنگ، و چین با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به توسعه صنعتی دست یافته‌اند.

ها جون چانگ در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی تأکید دارد که نظریات نئولیبرالی درمورد کارآیی نظام بازار برای ثروت‌مندکردن ملت‌ها و ضرورت عدم مداخله دولت در اقتصاد با تحولات اقتصادی کشورهای آسیای شرقی سازگار نیست. هرچند کشورهای این منطقه با پذیرش رویکرد صادرات‌محور در جهت رقابت در بازارهای جهانی حرکت کرده‌اند، دستیابی به موفقیت‌های چشم‌گیر اقتصادی بدون وجود دولتی مقتدر و توسعه‌گرا ممکن نبوده است. در واقع، بین دولت و بازار تقابلی وجود ندارد و دولت کارآمد مکمل سازوکار بازار است. دولت توسعه‌گرا دولتی است که مشروعیت سیاسی خود را از توسعه اقتصادی کسب می‌کند و تلاش دارد تا توسعه اقتصادی را از طریق سیاست‌های صنعتی‌گزینشی و حمایت از بخش‌های

خاص محقق سازد. ویژگی برجسته کشورهای آسیای شرقی رابطه نزدیک میان بخش عمومی و بخش خصوصی و تعهد نسبت به هدف مشترک توسعه صنعتی بوده است (Bradford 1994).

کشورهای در حال توسعه، بر اساس سازوکار بازار قادر به تأسیس صنایع جدید و ایجاد تحول در ساختارهای اقتصادی خود نیستند. این کشورها برای فرار از تله فقر و عقب ماندگی ناگزیرند که اصل مزیت نسبی رقابتی را نقض کنند و در فضای رقابت جهانی به ایجاد و حمایت از صنایع جدید و نوپا در داخل کشور اقدام کنند، ولی حمایت بی قید و شرط و طولانی مدت از صنایع داخلی به شکل گیری گروه‌های لابی قدرت‌مندی منجر می‌شود که با اعمال فشار سیاسی همواره تمديد حمایت‌های دولتی را خواستارند.

در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی نشان داده شده که این کشورها، مانند دیگر کشورهای در حال توسعه، در دهه ۱۹۵۰ با اعمال استراتژی جای‌گزینی واردات، در وهله اول به تولید کالاهای مصرفی برای تأمین نیاز بازارهای داخلی اقدام کردند. از اواخر دهه ۱۹۵۰، به تدریج قدرت رقابتی تولیدات داخلی را افزایش داد و کالاهای صنعتی خود را به بازارهای جهانی عرضه کردند. در مراحل بعدی، تولید کالاهای صنعتی پیچیده و پیشرفته در داخل کشور مورد حمایت دولت قرار گرفت و این کشورها توانستند به تنوع تولید صنعتی دست یابند و در حرکت به سوی بازارهای صادراتی موفقیت بزرگی کسب کنند. ترکیبی از استراتژی‌های جای‌گزینی واردات و توسعه صادرات عامل موفقیت این کشورها در فرایند توسعه صنعتی بود.

در مورد تفاوت میان صنایع جای‌گزینی واردات، از جمله تولید خودرو، میان ایران و کره مطالعات بسیاری انجام شده است؛ این کتاب اهمیت استمرار و کارایی سیاست‌های صنعتی و ملاک‌های مشخص برای حمایت از صنایع نوپا و هدایت صنایع برای رقابت در بازارهای بین‌المللی را در موفقیت صنایع کره به خوبی نشان می‌دهد. در حالی که ایران برای تأمین ارز مورد نیاز صنایع جای‌گزین واردات به درآمدهای نفتی تکیه کرده، کره به صادرات صنعتی روی آورده، و به همین جهت در طول زمان، در رقابت با دیگر کشورها کیفیت تولیدات داخلی افزایش و هزینه‌های تولید کاهش یافته است. جدول ۱ مقایسه اجمالی سیاست‌های مؤثر در توسعه صنعتی در کره و ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقایسه اجمالی سیاست‌های مؤثر در توسعه صنعتی در ایران و کره

ایران	کره	
فقدان نظارت مؤثر در نحوه استفاده بنگاه‌ها از وام؛ دریافت وام به بهانه سرمایه‌گذاری مولد و استفاده در فعالیت‌های غیرمولد و سودآور	نظارت مؤثر در استفاده از وام اعطایی به بخش خصوصی برای طرح‌های در اولویت	تأمین مالی بنگاه‌های خصوصی
تقویت ارزش واقعی ریال به دلیل عدم تعدیل ریال با تورم	تضعیف ارزش وون کره در مقابل دلار در مراحل اولیه صنعتی	سیاست ارزی
اعمال سیاست درهای باز برای جلوگیری از تورم در دوران رونق نفتی ایجاد مانع برای صادرات با تقویت ارزش واقعی ریال و عدم اجرای سیاست‌های تشویقی مؤثر	اعمال سیاست محدودیت واردات کالاهای رقیب تولید صنایع نوپا تشویق صادرات از طریق تضعیف ارزش پول ملی و اعطای وام‌های ارزان	سیاست تجاری
حمایت مالی از تمامی صنایع بزرگ داخلی به دلیل فقدان استراتژی توسعه صنعتی مشخص	حمایت از صنایع در اولویت براساس استراتژی توسعه صنعتی	سیاست صنعتی
تنش در روابط بین‌المللی عامل منفی برای صادرات کالاهای تولیدی ایران و مانع واردات ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته برای نوسازی صنعتی	روابط سیاسی باثبات عامل دسترسی به بازارهای جهانی برای صادرات کالاهای صنعتی و واردات تکنولوژی‌های پیشرفته	روابط بین‌المللی

منبع: یافته‌های محقق

ضرورت تحولات فرهنگی برای دستیابی به توسعه از مسائل مهمی است که در دو دهه اخیر بسیار مورد بحث قرار گرفته و مقالات فراوانی درباره آن منتشر شده است.^۷ ها جون چانگ معتقد است که تحولات فرهنگی عموماً تحت تأثیر فرایند توسعه روی می‌دهند (Chang 2011). او در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی نیز به تفصیل توضیح می‌دهد که در آغاز دهه ۱۹۵۰ کره فقیرتر از بسیاری از کشورهای آفریقایی بوده و سطح سواد مردم به شدت پایین بوده است. او با مرور شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تحولات فرهنگی پیش شرط توسعه صنعتی نیست. او چند سال بعد در کتاب *انداختن نردبان* به تفصیل این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که کشورهای صنعتی و پیشرفته در فرایند توسعه بسیاری از نهادهای علمی و فرهنگی مفید را ایجاد کرده‌اند.

چانگ با مجموعه سیاست‌های نئولیبرالی، از جمله مقررات زدایی از بازارهای مالی و آزادسازی تجاری به عنوان موانع توسعه کشورهای فقیر، مخالف است (Chang 2002). این

دیدگاه که مداخله دولت در اقتصاد ایجاد اختلال می‌کند و خصوصی‌سازی، آزادسازی، و مقررات‌زدایی عامل رشد و توسعه اقتصادی است با واقعیت انطباق ندارد. دستاوردهای تحسین‌برانگیز کشورهای شرق آسیا نشان می‌دهد که دولت کارآمد عامل ایجاد تحرک در بخش خصوصی است. مشکل کشورهای در حال توسعه حضور پررنگ یا کم‌رنگ دولت در اقتصاد نیست. مقررات‌زدایی و آزادسازی فعالیت بخش خصوصی در شرایط وجود دولت ناکارآمد نتیجه موفقیت‌آمیزی در پی ندارد. این کشورها برای کاهش شکاف با کشورهای صنعتی جهان به دولتی توسعه‌گرا نیازمندند.

چانگ در کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی تأکید می‌کند که کشورهای آسیای شرقی با اعمال سیاست‌هایی مانند کنترل واردات، جلوگیری از رشد مصرف کالاهای لوکس، و نظارت شدید بر ورود و خروج سرمایه منابع محدود ارزی را در جهت توسعه صنعتی مورداستفاده قرار دادند. دولت بانک‌ها را موظف می‌کرد که به صنایع در اولویت تسهیلات سخاوت‌مندانه‌ای اعطا کنند، اما به شدت نظارت می‌کرد که این وام‌ها به مسیرهای انحرافی وارد نشوند و به افزایش بهره‌وری در صنایع موردنظر منجر شوند. درست به عکس حامیان سیاست‌های نئولیبرالی چانگ معتقدند که فاصله‌گرفتن از سیاست‌های صنعتی و آزادسازی بازارهای مالی به بحران سال ۱۹۹۷ انجامید.

این کتاب برای تفکر دقیق و انتقادی در مورد سیاست‌های صنعتی ایران بسیار سودمند است. در آغاز دهه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) تولید سرانه ایران بیش از دو برابر تایوان و بیش از ده برابر چین بوده است. در همین سال تولید سرانه کره نیز از ایران بسیار پایین‌تر بوده است (World Bank 2020). چهار دهه گذشته، تایوان و کره از تله فقر رهایی یافته و به گروه کشورهای تازه‌صنعتی شده با درآمد متوسط رو به بالا پیوسته‌اند. اقتصاد چین جهش تحسین‌برانگیزی را تجربه کرده و به بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده کالاهای صنعتی و دومین اقتصاد جهان تبدیل شده است و پیش‌بینی می‌شود که پیش از سال ۲۰۳۰ در جایگاه اولین اقتصاد جهان قرار گیرد. در مقابل، جایگاه ایران در اقتصاد جهانی طی این دوره به‌نحو چشم‌گیری افول کرده است. تفاوت فزاینده میان عملکرد اقتصادی درخشان کشورهای آسیای شرقی و عملکرد ضعیف اقتصادی ایران سبب شده که در سال ۲۰۱۹ تولید سرانه کره و تایوان به ترتیب به بیش از سه و چهار برابر تولید ایران افزایش یافته و با وجود بیش از هزار میلیارد دلار درآمد نفتی^۸، تولید، و

درآمد سرانه ایران از کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی بسیار فاصله گرفته است (جدول ۲).

با گذشت بیش از هفت دهه از شکل‌گیری صنایع نوپا در ایران، از جمله صنعت خودروسازی، بازنگری در سیاست‌های ناموفقی که به افزایش شکاف فناوری و فاصله گرفتن تولیدات داخلی از بازارهای رقابتی منجر شده، بیش از پیش ضرورت یافته است. به علاوه، با کاهش چشم‌گیر قیمت جهانی نفت و کاهش تقاضا برای نفت در بازارهای جهانی، به نظر می‌رسد که در سال‌های آینده، حتی به فرض لغو تحریم‌های بین‌المللی، ایران قادر به تأمین نیازهای ارزی از طریق درآمدهای نفتی نخواهد بود. بنابراین، باید از تجربه کشورهای آسیای شرقی درس گرفت و با اعمال سیاست‌های مناسب صنایع ایران را به سوی کسب جایگاهی شایسته در بازارهای جهانی هدایت کرد.

جدول ۲. نسبت تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای آسیای شرقی نسبت به آمریکا و ایران (درصد)

۲۰۱۸	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
کره							
۵۱,۳	۴۷,۶	۳۴,۴	۲۳,۵	۱۲,۸	۷,۷	۵,۳	نسبت به آمریکا
۴۳۷,۲	۳۴۹,۸	۳۲۰	۲۰۵,۴	۷۶,۸	۲۵,۵	۳۱,۲	نسبت به ایران
تایوان							
۴۵,۶	۳۹,۷	۳۳,۴	۲۲,۷	۸,۳	۱,۷	۰,۹	نسبت به آمریکا
۳۸۸,۲	۲۹۲,۱	۳۱۰,۲	۱۹۸,۷	۴۹,۸	۵,۶	۵,۴	نسبت به ایران
سنگاپور							
۱۰۷,۷	۹۷,۴	۷۵,۶	۶۲,۵	۴۷,۳	۲۹,۲	۱۹,۹	نسبت به آمریکا
۹۱۷,۲	۷۱۵,۷	۷۰۲,۸	۵۴۵,۸	۲۸۲,۵	۹۶,۸	۱۱۷,۶	نسبت به ایران
هنگ کنگ							
۷۰,۵	۶۷,۱	۵۱,۴	۵۰,۶	۳۷,۵	۲۴,۹	-	نسبت به آمریکا
۶۰۰,۹	۴۹۳,۲	۴۷۷,۸	۴۴۱,۴	۲۲۳,۹	۸۲,۶	-	نسبت به ایران
چین							
۱۴,۲	۹,۴	۴	۲	۱,۲	۱	۱,۱	نسبت به آمریکا
۱۲۱,۲	۶۸,۹	۳۶,۷	۱۷,۶	۷,۲	۳,۳	۶,۴	نسبت به ایران

منبع: محاسبات محقق با استفاده از آمار بانک جهانی (World Bank 2020)

۶. نتیجه‌گیری

توسعه کوششی آگاهانه در جهت بسیج منابع برای رشد هرچه بیش‌تر سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، و ارتقای سطح رفاه مردم است. در این حرکت آگاهانه، دولت به‌عنوان راه‌نما، محرک، تسهیل‌گر، و تنظیم‌کننده نقشی اساسی برعهده دارد. کتاب *معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی* نسخه مفیدی را از مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب برای تحقق توسعه صنعتی ارائه می‌کند. هر کشور ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی خاص خود را دارد و نسخه‌برداری کامل از دیگر کشورها لزوماً دستیابی به موفقیت در دیگر کشورها را تضمین نمی‌کند، ولی درس‌گرفتن از توسعه آسیای شرقی امکان‌پذیر است.

ها جون چانگ در کتاب *معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی* نشان می‌دهد که کشورهای آسیای شرقی در فرایند توسعه صنعتی بر حمایت محدود و مشروط از صنایع نوپا تأکید داشته و صنایع را به صادرات ترغیب کرده‌اند و کسب توان صادراتی ملاک اصلی برای تداوم حمایت از بنگاه‌های صنعتی، به‌طور مثال دسترسی به وام‌های ارزان، بوده است. به‌سخن دیگر، طراحی و اجرای سیاست‌های مناسب در جهت حمایت مشروط از صنایع داخلی و اجبار آن‌ها به سمت‌گیری صادراتی در زمانی نسبتاً کوتاه براساس تفاهم، همکاری، و هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی شرط لازم برای دستیابی به توسعه صنعتی بوده است.

بخش خصوصی در کشورهای آسیای شرقی در واکنش به مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی و با بهره‌گیری از تجارت بین‌المللی و انتقال فناوری‌های نوین در وهله اول صنایع جای‌گزین واردات را شکل داده و هم‌زمان برای صادرات کالاهای صنعتی تولیدشده در داخل تلاش کرده است. در مراحل بعد، دولت بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری در صنایع سرمایه‌بر و دانش‌بنیان هدایت کرده است. بدین ترتیب، سیاست‌های صنعتی در حمایت‌گزینشی از رشته‌های در اولویت به تنوع تولید و صادرات صنعتی در این کشورها منجر شده است. بدین ترتیب، کشورهای آسیای شرقی، که در اوایل دهه ۱۹۵۰ از بسیاری کشورهای آفریقایی فقیرتر بودند، به‌سرعت پیشرفت کردند و فاصله خود با کشورهای صنعتی را به‌شدت کاهش دادند. بدون تردید، دولت‌های توسعه‌گرا در هدایت بخش خصوصی، ایجاد تحولات ساختاری، و تسریع آهنگ رشد اقتصادی نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند. ایران می‌تواند درس‌های ارزش‌مندی را از فرایند توسعه کشورهای آسیای شرقی فراگیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بسیاری از برندگان جایزه لئونتیف نامزد دریافت جایزه نوبل اقتصاد بوده‌اند و برخی از آن‌ها، از جمله آمارتیا سن، جایزه نوبل دریافت کرده‌اند.
۲. برای مثال، بنگرید به Chang 2011; Chang 2020.
۳. کشورهای آسیای شرقی، پس از تجربه بحران مالی سال ۱۹۹۷، به افزایش ذخایر ارزی اقدام کردند تا به این طریق سپر محکمی در مقابل جریان زیان‌آور ورود و خروج ناخواسته سرمایه خارجی ایجاد کنند (Hyun 2011).
۴. به نقل از چانگ ۱۳۹۸: ۵۱.
۵. دو دهه حضور نظامیان آمریکا در افغانستان و سرازیر شدن میلیاردها دلار کمک به این کشور به توسعه اقتصادی افغانستان منجر نشده است.
۶. برای مثال، بنگرید به موسوی جهرمی و قبادی ۱۳۹۵؛ حسینی گلی و ساعی ۱۳۹۶.
۷. برای نمونه، بنگرید به بروجنی ۱۳۷۳؛ بنیانیان ۱۳۸۶.
۸. عملکرد ضعیف اقتصادی کشورهای صادرکننده منابع طبیعی مانند نفت به شکل‌گیری نظریه نفرین منابع منجر شده است. براساس این نظریه، درآمد حاصل از صادرات منابع طبیعی ناکارآمدی دولت در کشورهای در حال توسعه را تشدید می‌کند. دولت در این کشورها، به جای ایجاد زمینه مناسب برای رشد سرمایه‌گذاری و تولید، با توزیع رانت عامل اختلال در اقتصاد است.

کتاب‌نامه

- بروجنی، فرشید (۱۳۷۳)، «جایگاه عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی»، فرهنگ توسعه، ش ۱۵.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ توسعه در ایران، تهران: امیرکبیر.
- چانگ، ها جون (۱۳۹۲)، ۲۳ نکته مکتوم سرمایه‌داری، ترجمه مهرداد شهابی و میرمحمود نبوی، تهران: اختران.
- چانگ، ها جون (۱۳۹۵)، نیکوکاران نابه‌کار؛ افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه‌داری، ترجمه مهرداد شهابی و میرمحمود نبوی، تهران: اختران.
- چانگ، ها جون (۱۳۹۸)، معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی، ترجمه لیلا سادات فاطمی‌نسب، تهران: ثالث.
- چانگ، ها جون (۱۳۹۸)، انداختن نردبان، ترجمه زهرا کریمی، جواد براتی، و محمد عبدی، مشهد: جهاد دانشگاهی.

حسینی گلی، سیداسماعیل و احمد ساعی (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری ایران و کره جنوبی در عرصه صنعت خودرو»، مطالعات روابط بین‌الملل، ش ۳۹.
موسوی جهرمی، یگانه و امین قبادی (۱۳۹۵)، «درس‌هایی از تجربه خودروسازی در کشور کره جنوبی»، فصل‌نامه رونا، ش ۷۳.

- Bradford, Colin (1994), *From Trade-Driven Growth to Growth-Driven Trade: Reappraising the East Asian Development Experience*, Paris: Organisation for Economic Cooperation and Development.
- Chang, Ha Joon (1984), *The Political Economy of Industrial Policy*, London: Mcmillan.
- Chang, Ha Joon (2002), *Kicking Away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem.
- Chang, Ha Joon (2006), *The East Asian Development Experience: The Miracle, the Crisis and the Future*, London: Zed Book.
- Chang, Ha Joon (2007), *Institutional Change and Economic Development*, Tokyo: United Nations University Press.
- Chang, Ha Joon (2008), *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*, Bloomsbury.
- Chang, Ha Joon (2010), *23 Things They Don't Tell You About Capitalism*, London: Penguin Books Ltd.
- Chang, Ha Joon (2011), "Institutions and Economic Development: Theory, Policy and History", *Journal of Industrial Economics*, vol. 7, no. 4.
- Chang, Ha Joon (2020), "Industrial Policy in the 21st Century", *Journal of Development and Change*, vol. 51, no. 2.
- Frankel, J. (1998), *The Asian Model, the Miracle, the Crisis and the Fund*, Washington: US International Trade Commission.
- Henderson, J. (1998), "Uneven Crisis: Institutional Foundation of East Asian Economic Turmoil", Transitional Communities Working Paper, Faculty of Anthropology and Geography, University of Oxford.
- Hyun Song Shing (2011), "Global Liquidity", in: *The Wake of the Crisis*, Oliver Blanchard (ed.), International Monetary Fund.
- Mckinnon, R. and H. Pill (1998), "International Overborrowing-A Decomposition of Credit and Currency Risk", *World Development*, vol. 26, no. 7.
- World Bank (1993), *The East Asian Miracle; Economic Growth and Public Policy*, Washington: World Bank.
- World Bank (2020), The World Bank Data: <<https://data.worldbank.org/indicator/ny.gdp.pcap.cd>>.